



انجمن نویسندگان افغانستان و وضع کنونی آن

نویسنده: عاصی، قهار

ادبیات و زبانها :: شعر :: آبان 1373 - شماره 14

از 31 تا 32

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/875972>

دانلود شده توسط : عبدالاحمد نوری

تاریخ دانلود : 1393/06/31 00:18:39

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com



انجمن نویسندگان افغانستان

و

وضع کنونی آن

● قهار عاصی

در افغانستان بزرگترین مرکز فرهنگی - ادبی و یگانه نهاد اجتماعی که به مثابه کانونی سراسری دست‌آورد‌هایی بالنده در عرصه شعر، داستان، ادبیات کودک، ترجمه، نقد و پژوهش به زبانهای فارسی دری، پشتو و اوزبکی داشته است، انجمن نویسندگان افغانستان است که از آغاز دهه شصت خورشیدی با نام اتحادیه نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان بنیاد نهاده شد و از این به بعد از لحاظ مشی نثراتی و موضع گیریهای فرهنگی، تحولاتی در فعالیت‌هایش پدید آمد تا چند سال بعد به «انجمن نویسندگان افغانستان» که از لحاظ مفهوم تعمیم یافته‌تر بود تغییر نام و نشان داد و بالاخره پس از پیروزی مجاهدین به هدایت مقام‌هایی به «انجمن اسلامی نویسندگان افغانستان» مسما گردید و اکنون در یک حالت نیم جان و نزع در کابل نفس می‌کشد.

من یکی از اعضای آن انجمن و مسؤول روابط خارجی‌اش هستم.

انجمن نویسندگان افغانستان از آغاز کار تا امروز دارای تشکیلاتی مسلکی و اداری بوده است که در بخش‌های شعر، داستان، نقد و پژوهش، جوانان (که بیشتر با جوانان قلم به دست در دانشگاهها، مدارس و دبیرستانها سر و کار داشت)، ادبیات کودک، روابط خارجی و ترجمه فعالیت بسزایی داشته است.

البته پیشینه انجمن‌های ادبی و حلقات و مجالس فرهنگی در افغانستان باز می‌گردد

به آغاز قرن بیست که رسماً به نامهای انجمن ادبی کابل، هرات، ادبستان قندهار و غیره فعالیت‌هایی به خاطر زنده نگهداشتن و ترویج هنر و ادب داشتند که دروازه هر کدام، در مقاطعی از زمامداریهای فرهنگ ستیزان و فرهنگ فروشان دهه‌های گذشته بسته شد و به نحوی از انحا در کارهایشان ممانعت به عمل آمد.

تا جایی که مربوط به انجمن نویسندگان امروزین افغانستان می‌شود باید گفت که در آغاز، هدف ایجاد آن به وجود آوردن هسته‌ای مرکزی، برای تجمع قلم به دستان زیر چتر سیاسی و تبلیغات رژیمهای طرفدار شوروی در دوران حکومت‌هایشان بود که به وضوح در آثار چاپ شده آن روزگار به چشم می‌خورد.

انجمن در آن روزگار (۵۹ تا ۶۶) به نحوی به مرکز انتشاراتی و تبلیغاتی نظام حاکم تبدیل شده بود که پیشقراول آن، کمونیست‌هایی مانند «سلیمان لایق»، «بارق شفیع»، «دکتر اسدالله حبیب»، «ده نشینی»، «دستگیر پنجشیری» و «عبدالله نایی» بودند و آن وقتها مجله ژوندون به مثابه ارگان نشراتی انجمن در کنار چاپ کتب به زبانهای فارسی دری و پشتو و گاه اوزبکی، نشرات داشت که تحمیل فرمایشات از مقام‌های بالایی جزو برنامه بود. آن مجله بیشتر در خدمت مرام و اهداف آن خودفروخته‌ها بود. آنچه در مجله ژوندون آن روزگار واقعاً قابلیت توجه است متلاشی فردی است که از طرف مدیر مسؤول آن به خاطر حفظ نوامیس زبانی و تا حد توان پخش و انتشار فرهنگ سالم روشنفکرانه و معرفی جنبه‌های اصیل و روشنگرانه ادبیات معاصر در مجله صورت

گرفت. یا منتخباتی که از شاعران بنام گذشته به مناسبت‌هایی خاص چاپ شدند، مانند «استاد خلیلی»، «داوری»، «طالب قندهاری»، «عشقری»، «نوبید»، «جلوه» و دیگران.

می‌ماند پخش و اشاعه ادبیات مبتدل و چاپلوس که همان تجلیل از انقلاب اکبر، روز تولد لنین، وصف کشور شوراهای پل دوستی، سرباز شوروی و ستایش و بزرگداشت از سربازان مرده و زنده لشگرهای روس در افغانستان که با بیرحمانه‌ترین وجه مشغول کشتار مردم افغانستان بودند. انجمن، تقریباً مجری برنامه‌های فرهنگی رژیم حاکم و حزب حاکم بود و در همین روزگار بود که «سلیمان لایق» از دفتر تبلیغ و ترویج حزب، نامه رسمی عنوانی نهادهای فرهنگی به خاطر پشتیبانی از روسها و نوکرانشان صادر می‌کرد و در این کار چندین کمونیستی عمل می‌کرد که از آن طرف بام می‌افتاد. و حال آن که در این روزگار سعی بر آن است تا طوری عمل صورت بگیرد که از این طرف بام ... بی‌آنکه اولویتهای ارزشها، معیارها و ضوابط را در نظر گرفته آیند.

پس از مرگ «برژنف»، «چرنینکو» و «آندروپوف» و متزلزل شدن موقف کارمل (پرچمها) و روی کار آمدن «گورباچف» و پدیدار شدن نوعی دموکراسی در شوروی آن وقت یخهای نازکی از سیاست و نظامیگری در افغانستان نیز بشکست و با حضور دکتر «نجیب الله» نوعی آزادیهای نیمبند و انعطاف‌هایی نیمرخ نیز پا بگرفت و انجمن نویسندگان نیز ناگزیر به تغییر و تعدیل در سطوح برنامه‌های کادری و نشراتی شد.



صراحت روشنی»، «حمیدالله مهرورز»، «قدیرروستا پدرام»، «ثریا واحدی»، «خالده فروغ»، «عبدالسمیع حامد» و دیگران را پرورش داد.

با انتخاب «رهنورد زریاب» (داستان نویس و مترجم) به حیث رئیس انجمن، کار یکسره به دست غیر حزبیها افتاد و جریان فعالیتها رنگ دیگری به خود گرفت جریده قلم در کنار ژوندون به اعتبار ارگان نشراتی انجمن آغاز به کارکرد. سمینارها و تجلیلها از شخصیتها و آثار به عمل آمد و تلاش به خاطر خودکفا شدن انجمن تا حدی جنبه عملی یافت. اینها مایه‌های امیدواری برای آتیه درخشان انجمن به شمار می‌رفت.

«زریاب» پس از دو سال ریاست یکباره استعفا داد و به جاییش «پویا فاریابی» (نویسنده و استاد دانشکده ادبیات دانشگاه کابل) برگزیده شد و قرار بود تا مجله‌ای دیگر به نام سیمین در کنار ژوندون و قلم به فعالیت نشراتی بی‌آغازد و قرار بود افقهای تازه‌ای پیموده شود که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و همان‌گونه که از اثر بمب و راکت سایر نهادها و ادارات و حتی کوچه‌ها و پسکوچه‌ها صدمه دیدند و نابود شدند و معنویت نماند. انجمن نویسندگان نیز در تمام ابعادش مورد تعرض و تجاوز و غارت قرار گرفت و باقی مسائل. حالا از آن همه به نامی دلخوش استیم و اگر انجمنهای مماثل به خصوص در قلمروهای زبان فارسی دری ایران و حلققات و کانونهای ادبی به مدد نرسند و دولت توجه جدی نکند، شاید تا چندی بعد شاهد برباد شدن این فیروزه بواسحاقی باشیم. انجمن نویسندگان افغانستان از بدو ایجاد تا غارت و احتضار اضافه از ۲۵۰ جلد کتاب در زمینه‌های مختلف به چاپ رسانده است. اگر از آن جمع فقط هشتاد کتاب را با ارزش و اهمیت تشخیص بدهیم که دقیقاً از این همکرده بیشتر خواهد بود، باز هم برای کشور فقیر ما بی‌سابقه و مورد مباحات است.

به امید بازسازی این انجمن

یعنی در اساسنامه انجمن تغییراتی به میان آمد که از جمله انتخاب رئیس غیر حزبی که می‌توانست غیر حزبی علاقه‌مند به مشی نشراتی رژیم و حزب باشد که «اکرم عثمان» از بهترین انواع این اجناس بود. باید گفت که قبل از آن رئیس انجمن حتماً باید حزبی و عضو هیأت رهبری دولت می‌بود که «اسداله حبیب» و «دستگیر پنجشیری» از این دست بودند. نیز فراموش نکنیم که بودجه مصارفاتی انجمن را دولت می‌پرداخت و ازین لحاظ نیز به اصطلاح دستی زیر سنگ داشت و تا اکنون این مدیونیت کارهای انجمن را تاحدی به محافظه کاری می‌کشاند.

گفتیم که شیوه دولتی فرهنگ و نشرات توأم با آزادیهای شعاریگونه در زمان «نجیب» نضج یافت. در حالی که خطرناکترین عملیات نظامی در قندهار، ژور(پکتیا) تنگی و اخجان (لوگر)، جلال آباد، پروان، پغمان کابل و زنجان (هرات)

درشت‌ترین رقم کشتار، قساوت و شقاوت را در دوران «نجیب» می‌سازد که وحشتناکترین مظالم را نیز با خود داشته است. باید یادآور شد استفاده از شعار دموکراسی، ابتکاری بود که قلم به دستان عرصه مقاومت در سایه آن به پخش و نشر آثارشان پرداختند و به صورت گروهی غیردولتی و غیرحزبی قد افراشتند و برای نخستین بار رگه‌های شعر مقاومت در فرهنگ تک حزبی ریشه دوانید.

یک نام تابناک را در سراسر بستر فرهنگ مقاومت نباید فراموش کرد که از درون انجمن به مثابه پرچمدار این عرصه جوانان را راه نمود و گره گشود. آن نام تابناک، استاد بزرگوار و ارجمند حضرت «واصف باختری» است که با فراهم شدن اندک فرصت حد اعظم تلاش را به خاطر شکل گرفتن فرهنگ و معنویت، مقاومت به خرج داد و قلمزنان عزیزی چون «پرتو نادری»، «جلیل شبگیر پولادین»، «لیلا